



داوود ستارزاده^۱
سیده‌زینب تقوی^۲

محاسبه شاخص درجه رفاه سکونتی خانوارها برای مناطق روستایی استان‌های کشور^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۸/۲۴

چکیده

در مجموعه نیازهای اولیه انسان، اسکان دومین نیاز حیثیتی او پس از پوشاک قرار می‌گیرد و اگر توسعه‌یافتگی یک جامعه روستایی را منوط به تأمین و افزایش عزت نفس عقلانی آن بدانیم، کیفیت و تداوم دسترسی افراد را به مسکن روستایی می‌توان یکی از ارکان توسعه

۱- کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس مدعو دانشگاه پیام نور مازندران.

E-mail: satarzade83@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد پژوهشگری دانشگاه الزهرا و عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی مرکز مازندران.

E-mail: Research.mazanjd@yahoo.com

۳- این طرح آمارگیری توسط پژوهشکده آمار وابسته به مرکز آمار ایران در ۲۱۱۸ روستا و ۴۶۴۱۳ واحد مسکونی اجرا شده است. در این طرح تهیه شده و با تأیید و نظارت مرکز آمار ایران در ۲۱۱۸ روستا و ۴۶۴۱۳ واحد مسکونی اجرا شده است. در این طرح صدا و سیما، شوراهای روستا و دفتر مسکن روستایی هم همکاری داشته‌اند و نتایج آن در سال ۱۳۸۳ چاپ شده است. البته جا دارد نویسندگان از دکتر محسن سرتیپی‌پور و دکتر حسین محمودیان به خاطر زحماتشان کمال تشکر را داشته باشند.

روستایی دانست. در این مقاله سعی شده است شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار برای مناطق روستایی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۲ محاسبه شود، زیرا این شاخص یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی محسوب می‌گردد. تکنیک‌های مورد استفاده در این تحقیق، روش‌های تحلیل عاملی و تحلیل واریانس یک‌طرفه بوده است. در این محاسبه شاخص‌های اقتصادی، کالبدی و اجتماعی مرتبط با مسکن روستایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. استان‌های مازندران، ایلام، چهارمحال و بختیاری و اصفهان در بهترین وضعیت و استان‌های سیستان و بلوچستان، زنجان، کرمان و کرمانشاه در بدترین وضعیت از نظر شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: رفاه اجتماعی، مسکن، واحد مسکونی، درجه رفاه سکونتی خانوار، مناطق روستایی کشور.

مقدمه

رفاه اجتماعی عبارت از رضایتمندی معنوی و مادی انسان که از عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وی حاصل می‌شود. رضایتمندی وقتی فراهم می‌گردد که وسائل، امکانات و کیفیت‌هایی که حاصل کار و اندیشه انسان است به اندازه کافی و به طور پایدار و مطمئن در اختیار وی قرار گیرد، به طوری که در هر زمان آن را احساس کند و بتواند بدان اشاره نماید. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی رفاه، سطح زندگی است که عبارتست از: درجه تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی افراد جامعه در زمان معین که عبارتند از: الف- چگونگی تغذیه ب- نوع پوشاک ج- بهداشت و درمان د- نحوه استفاده از اوقات فراغت ه- سطح دانش، مهارت و فرهنگ و مسکن؛ بنابراین همانطور که ملاحظه می‌گردد یکی از شاخص‌های مهم سطح زندگی مسکن می‌باشد (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۲۸). از طرف دیگر دستیابی به توسعه پایدار در عرصه‌های مختلف مستلزم توجه به مهم‌ترین عنصر توسعه یعنی انسان بوده و توسعه انسانی هنگامی از قوه به فعل درآمده و جامه عمل می‌پوشد که در کنار تأمین بهداشت،

آموزش، فرصت‌های شغلی و ایجاد زمینه بروز خلاقیت‌های فردی، مسکن انسان نیز فراهم گردد. از این رو می‌توان گفت یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی برخورداری از رفاه سکونتی و بهره‌مندی از مسکن مناسب می‌باشد. مبحث مسکن از مهم‌ترین مباحث قابل طرح و تحلیل در مجموعه مطالعات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به شمار می‌رود. مسکن پاسخگوی یکی از نیازهای اساسی بشر بوده و بازتاب‌های زیادی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی دارد. عدم درک و شناخت این مقوله، به لحاظ تأثیر عمیق آن در فرایند رفاه اجتماعی، می‌تواند تأثیر سویی را بر پیکره کل نظام برنامه‌ریزی کشور وارد کرده و تبعات و تنش‌های زیادی را به بار آورد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به این مساله اشاره کرده است. به طوری که طبق اصل ۴۳ قانون اساسی یکی از نیازهای اساسی هر فرد و خانواده ایرانی مسکن بوده و اصل ۳۱ قانون اساسی داشتن مسکن مناسب را حق هر فرد و خانواده ایرانی می‌داند.

مشکل مسکن یک مشکل جهانی است و امروزه همه کشورها را به نوعی گرفتار ساخته است. در حالی که در کشورهای پیشرفته مسکن بعدی از رفاه اجتماعی بوده و برنامه‌های توسعه مسکن بر بهبود کیفی متمرکزند، در کشور ما مسکن یک نیاز اولیه بوده و ضرورت تأمین آن هم‌ردیف با ضرورت تأمین غذا و پوشاک به شمار آمده است (غازی، ۱۳۷۳، ص ۹۳). در بعد کلان، عملکرد مسکن در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بویژه از نقطه نظر نقش آن در ایجاد اشتغال و جریان سرمایه و نهایتاً ایجاد رفاه و آسایش روانی و فکری جامعه اهمیت خاصی یافته و در بعد خرد نیز دستیابی به مقوله عمران به عنوان عنصری مهم از پیکره اقتصادی کشور، لزوم توجه به امر مسکن را ضروری می‌سازد. از این رو برنامه‌ریزی درجات رفح نیازهای مسکن روستایی در کشور مستلزم شناخت وضع موجود مسکن روستایی بوده و از این طریق می‌توان نتایج و دستاوردهای حاصله از بررسی‌های انجام گرفته را وارد چرخه برنامه‌ریزی مسکن روستایی کرد. فقر مسکن موجب پایین آمدن قابلیت فردی برای تحصیل و ارتقای مهارت‌ها می‌شود و بدین ترتیب اعضای خانوارهای فقیر را فقیر نگاه می‌دارد. به علاوه تداخل زندگی جنس‌های مخالف سبب ازدیاد ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. در واقع

مسکن نامناسب تبدیل به یک تله فضایی می‌شود. تله فضایی مسکن به دو صورت کیفیت درونی^۴ و کیفیت بیرونی تولید می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۴ ص ۵). برای این منظور شناخت شاخص‌های وضعیت مسکن روستایی مانند تعداد اتاق در اختیار خانوار، استحکام بنا و مصالح ساختمانی به کار رفته در آن، حدود برخورداری خانواده‌های ساکن در واحدهای مسکونی از امکانات و تسهیلات زندگی و نحوه تصرف و وضع مالکیت واحدهای مسکونی در هر منطقه امری ضروری و اجتناب ناپذیر به شمار می‌رود. در کل چون یک معنای واقعی و یک پایه و اساس درست از رفاه سکونتی وجود ندارد، به همین دلیل دولت‌ها در پیاده کردن و طراحی سیاست‌های آن عاجزند (Priemus and Die leman, 2002: 9).

پیشینه‌ی تحقیق

۱- مطالعات خارجی

ترلسکی (Terleckyi) در سال ۱۹۷۵ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی ۲۲ شاخص و ۶ حوزه از شرایط اجتماعی ارائه داده است. یکی از حوزه‌ها حوزه رفاه سکونتی معرفی شده است (به نقل از Park, 2006: 12). مطالعه دیگر در مورد رفاه سکونتی به تحقیقات سازمان OECD بر می‌گردد. سازمان Mercer Human Resource Consulting هم در سال ۲۰۰۵ در مورد کیفیت زندگی به پیمایش در شهرها پرداخته است. حوزه‌های زیادی در سنجش کیفیت زندگی مدنظر قرار گرفته بودند. حوزه‌های مرتبط با رفاه سکونتی هم در به دست آوردن کیفیت زندگی نقش اساسی داشته‌اند که عبارتند از، شاخص‌های دسترسی خانوارها به برق، آب، خصوصیات واحد مسکونی، وسایل رفاهی خانوار، اسباب و اثاثیه موجود در منزل و خدمات تعمیر و نگهداری و ... (Turner and Whitehead, 2002: 206). مطالعه دیگری توسط دانشگاه اکسفورد در سال ۲۰۰۰ انجام گرفته است: در بررسی شاخص درجه رفاه سکونتی ۶ سطح مدنظر قرار گرفته

۴- مراد از کیفیت بیرونی مکان جغرافیایی مسکن است. در ایران واقع شدن مسکن در مناطق حاشیه شهرها و یا برخی محلات فرسوده و فقر زده درون شهرها به منزله افتادن در تله فضایی است. مراد از کیفیت درونی مسکنی با مصالح ساختمانی و تجهیزات نامناسب و سطح زیربنای ناکافی است که سبب ایجاد تله فضایی می‌شود.

است: درآمد، اشتغال، بهداشت، آموزش، مسکن و دسترسی جغرافیایی به خدمات. سطح مسکن به سه شاخص تقسیم بندی شده است: شاخص ازدحام خانوار، ضعف بخش خصوصی در زمینه مسکن، اجاره نشینی. مطالعه خارجی پایانی در کشور کره در سال ۲۰۰۴ صورت گرفته است. این تحقیق را دو سازمان انجمن مطالعات مسکن کره و سازمان شهروندی برای مساکن انجام داده‌اند. ارزیابی آنها از رفاه سکونتی شامل سه قسمت شرایط مسکن، خدمات و تلاش دولت‌های محلی و خود ساختمان می‌شود. هر خرده قسمت جنبه‌های کمی و کیفی مسکن و دوام مساکن را شامل می‌شود (Park, 2006: 12).

۲- مطالعات داخلی

در سال ۱۳۸۰ تحقیقی در زمینه درجه رفاه سکونتی خانوارها در بین شهرستان‌های استان خراسان طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ انجام پذیرفته است. در این تحقیق شهرستان‌های استان خراسان در سال ۱۳۷۵ از نظر درجه رفاه سکونتی خانوارها رتبه بندی شده‌اند در این رتبه بندی طبق جدول (شماره ۱)، گروه اول دارای بهترین شرایط و گروه پنجم دارای بدترین شرایط بوده‌اند. (حیدرآبادی، ۱۳۸۰ ص ۱۰۶-۵۱). شاخص‌های کمی و کیفی جمعیتی مسکن در ساخت شاخص درجه رفاه سکونتی به کار رفته‌اند.

جدول شماره ۱: رده بندی شهرستان‌های استان خراسان از نظر درجه رفاه سکونتی خانوارها در سال ۱۳۷۵

شهرستان‌ها	گروه
تایباد- خواف- تربت جام و طبس	اول
فریمان- کاشمر- چناران و سرخس	دوم
برداسکن- تربت حیدریه- فردوس و گناباد	سوم
نیشابور- سبزوار- شیروان- اسفراین- قوچان و مشهد	چهارم
بجنورد- قاینات- بیرجند- درگز و نهبندان	پنجم

(منبع: حیدرآبادی، ۱۳۸۰ ص ۱۰۳)

در تحقیقی دیگر، وضعیت مسکن در استان‌های کشور در سال ۱۳۷۵ مورد بررسی قرار گرفته و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف در هم‌آمیزی و ترکیب شاخص‌ها، از حیث وضعیت کلی مسکن امتیاز استان‌های کشور محاسبه شده و بر این اساس طبقه بندی شده‌اند. طبق این بررسی، استان‌های کشور را از حیث وضعیت مسکن (رفاه سکونتی) در سال ۱۳۷۵ می‌توان در پنج گروه دسته بندی کرد (جدول شماره ۲). در این بررسی شاخص‌های تراکم خانوار در مسکن، نسبت واحد مسکونی با دوام، میزان تولید مسکن در دوره‌ی مورد بررسی و نسبت نرخ رشد موجودی مسکن به نرخ رشد خانوار محاسبه شده بود (رفیعی، ۱۳۸۷ ص ۱۰-۸).

جدول شماره ۲: گروه بندی استان‌های کشور از حیث وضعیت مسکن در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

گروه	۱۳۶۵	۱۳۷۵
گروه یک (بهترین وضعیت)	تهران- سمنان- یزد- کرمان و مرکزی	تهران- یزد- قزوین و مرکزی
گروه دو (وضعیت مناسب)	اصفهان- خراسان- مازندران- بوشهر- قم- هرمزگان- فارس و قزوین	اصفهان- خراسان- بوشهر- قم- هرمزگان- فارس- لرستان- همدان- کرمان و سمنان
گروه سه (وضعیت قابل قبول)	خوزستان- آذربایجان شرقی- اردبیل- لرستان- همدان- گلستان- چهارمحال و بختیاری- آذربایجان غربی- ایلام- کهگیلویه و بویراحمد و زنجان	خوزستان- آذربایجان شرقی- اردبیل- مازندران- چهارمحال و بختیاری- آذربایجان غربی- ایلام- کهگیلویه و بویراحمد و زنجان
گروه چهار (وضعیت نامناسب)	کرمانشاه- گیلان و گلستان	کرمانشاه- گیلان و کردستان
گروه پنج (نقاط بحرانی)	سیستان و بلوچستان و کردستان	سیستان و بلوچستان

(منبع: رفیعی، ۱۳۷۸، ص ۱۰)

معرفی و تعریف شاخص‌های به کار رفته در شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن با استفاده از ابزاری صورت می‌گیرد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند (عزیزی، ۱۳۴۵ ص ۲۶). با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن روستایی را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در

این زمینه وجود دارند از نظر عینی بررسی کرد. شاخص‌های مسکن روستایی به چهار گروه عمده (۱) شاخص‌های اجتماعی، (۲) شاخص‌های اقتصادی، (۳) شاخص‌های کالبدی و (۴) شاخص‌های جمعیتی تقسیم می‌شوند. برای به دست آوردن شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار روستایی از بین این چهار دسته شاخص‌های مسکن روستایی، آن دسته که به رفاه سکونتی خانوار مرتبط می‌شده‌اند، گزینش شده‌اند.

۱- شاخص متوسط خانوار در واحد مسکونی

این شاخص نسبت تعداد خانوارها به تعداد واحدهای مسکونی است و معمول‌ترین شاخص در برآورد کمبود تعداد واحد مسکونی می‌باشد، (رضی‌زاده، ۱۳۷۳ ص ۲۳۹). اصولاً هر چه این شاخص به واحد (عدد یک) نزدیک‌تر باشد نشانه کمتر بودن تراکم و معرف برخورداری بیشتر خانوارها از رفاه است و برعکس، هر قدر شاخص مزبور از واحد فاصله بگیرد، نشانه‌ی تراکم بیشتر و در نتیجه گویای کاهش رفاه خانوارهاست (زنجانی و کتابی، ۱۳۷۷ ص ۸۶).

۲- شاخص متوسط اتاق در واحد مسکونی

این شاخص در جهت شناخت سهم هر خانوار یا افراد آن از تعداد اتاقی که در واحدهای مسکونی وجود دارد، به کار می‌رود. این شاخص از طریق تقسیم کردن تعداد اتاق واحدهای مسکونی به تعداد کل واحدهای مسکونی حاصل می‌شود. مقدار این شاخص هر چه بیشتر باشد، بهتر خواهد بود و افزایش میانگین آن بدون در نظر گرفتن تعداد خانوار و افراد ساکن در آن می‌تواند ملاک و معیار جالبی برای سنجش بهبود، سطح رفاه زیستی ساکنان آن باشد (خوشفر، ۱۳۷۵ ص ۷۲).

۳- شاخص میزان دسترسی به تسهیلات زندگی

حدود برخورداری واحدهای مسکونی از تسهیلات و تجهیزات ضروری زندگی خود به صورت شاخص جدیدی برای ارزیابی وضع واحدهای مسکونی درمی‌آید. عمده‌ترین وجه این تسهیلات عبارتند از وجود آب لوله کشی، برق، حمام، امکانات جدید گرمایی در واحدهای مسکونی و استفاده‌ی خانوارها از وسایلی چون رادیو، تلویزیون، یخچال و وسایلی

از این قبیل است (زنجانی، ۱۳۷۱ ص ۱۶۵). در این میان برق، آب، گاز و تلفن نقش مهم و تعیین کننده‌ای در کیفیت مسکن به عهده دارند (فرهنگی منش، ۱۳۷۴ ص ۴۸۴). قابل ذکر است که اهمیت کاربرد شاخص‌های تسهیلات رفاهی و تجهیزات واحد مسکونی در برنامه‌ها و سیاست گذاری‌های مسکن آنقدر زیاد است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی وجود این تاسیس‌ها به عنوان حداقل استانداردهای موجود در مسکن، در آیین نامه‌های ساختمانی درج گردیده است (مخبر، ۱۳۶۳ ص ۱۴۶).

برخورداری از آب سالم یکی از شاخص‌های مهم رفاه و یکی از موثرترین طرق ارتقای سطح بهزیستی و بهداشت بویژه در نقاط روستایی است. برخورداری از نیروی برق که امروزه از جمله بدیهی‌ترین مواهب تمدن جدید محسوب می‌شود کلید دستیابی به بسیاری از وسایل و امکانات رفاهی - بهداشتی است. منظور از آب لوله کشی این است که در واحد مسکونی، لوله کشی آب وجود داشته و در بیشتر سال در آن، آب جریان داشته و آب آن متصل به مخزن عمومی باشد. منظور از گاز لوله کشی این است که در واحد مسکونی، لوله کشی گاز وجود داشته و در بیشتر سال گاز طبیعی جریان داشته باشد. منظور از آشپزخانه، فضایی از واحد مسکونی است که صرفاً برای پخت و پز مورد استفاده قرار می‌گیرد اعم از اینکه مشمول تعریف اتاق باشد یا نباشد.

۴- درصد واحدهای مسکونی ملکی

ترنر^۵ در تجزیه و تحلیل مسکن سه خصیصه اساسی را مورد بحث دقیق قرار می‌دهد: ۱ مفهوم فیزیکی مسکن، ۲ مکان قرار گرفتن مسکن و ۳ نحوه‌ی تصرف. او معتقد است که مسکن ایده آل مسکنی است که از نظر کالبدی با استانداردهای مدرن همخوانی داشته باشد و در مکانی واقع شود که دستیابی بی دردسر به محل کار، خرید و تفریح را ممکن گرداند و بالاخره در نحوه‌ی تصرف مسکن امنیت وجود دارد (پیران، ۱۳۶۷ ص ۳۴). مالکیت واحدهای مسکونی

5. Turner, J.F.C

در ایران یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی بشمار می‌آید و قول مشهور چهاردیواری اختیاری، بازتاب این خواست عمومی در محاورات روزمره است (زنجانی، ۱۳۷۱ ص ۱۶۶). مالکیت واحدهای مسکونی در ایران شامل موارد زیر می‌باشد: مالکیت عرصه و اعیان، مالکیت اعیان، اجاره‌ای، در برابر خدمت و رایگان. در این تقسیم بندی، ملکی شامل موارد ملکی عرصه و اعیان و ملکی اعیان می‌باشد. برای مردم ما مالکیت خانه بیش از آنکه معنای ماوراء و سرپناه داشته باشد، تصور امنیت و ثبات را به همراه دارد. داشتن قطعه زمینی هرچند کوچک در شهر یا روستا بیانگر اعتبار و تضمین است.

۵- سطح زیر بنا

این شاخص بدین صورت تعریف می‌گردد: متوسط فضای قابل سکونت واحد مسکونی به ازای هر نفر. پایین بودن مقدار این شاخص نشانه‌ای از تراکم نامطلوب سکونتی است و به طور کلی بهتر از شاخص نفر در اتاق تراکم سکونتی را بیان می‌کند.

۶- واحدهای مسکونی نوساز

این شاخص مجموعاً نشان می‌دهد چند درصد از بناهای موجود قابلیت سکونت داشته و چه درصدی به دلیل اتمام عمر مفید بنا از رده سرمایه‌های موجود خارج می‌گردد. «عمر مفید برای هر واحد مسکونی را حدوداً ۲۵ سال می‌دانند (وارثی، ۱۳۷۳ ص ۶۴۴). در این شاخص قدمت بنا به هفت قسمت کمتر از ۵ سال قدمت، بین ۵ تا ۹ سال، بین ۱۰ تا ۱۴ سال، بین ۱۵ تا ۱۹ سال، بین ۲۰ تا ۲۴ سال، بین ۲۵ تا ۲۹ سال و بیش از ۳۰ سال عمر بنا تقسیم شده‌اند. برای محاسبه شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار روستایی واحدهای مسکونی کمتر از ۵ سال گزینش شده‌اند. بر اساس طرح نمونه گیری واحدهای مسکونی با عمر پنج سال و کمتر از آن نوساز محسوب می‌شوند.

۷- مساحت زیربنای فضاهای زیستی

فضاهای داخل واحد مسکونی را بر اساس کارکرد به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱- مساحت زیربنای فضاهای زیستی یعنی فضاهایی که صرفاً به استراحت، خواب، خوردن غذا، پذیرایی،

پرورش کودکان و صرف اوقات فراغت اختصاص دارد. فضاهایی مثل آشپزخانه، پست و صندوق‌خانه را نیز جزء فضای زیستی محسوب می‌کنند. ۲- مساحت زیربنای فضاهای معیشت: یعنی فضاهایی که صرفاً برای انجام فعالیت‌های اقتصادی مثل قالی‌بافی، حصیربافی، تولید ماست و کره و... یا پرورش و نگهداری دام مثل طیله و آغل اختصاص دارد. ۳- مساحت زیر بنای فضاهای مشترک زیستی- معیشتی: یعنی فضاهایی را که به طور مشترک برای امور زیستی و معیشتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در محاسبه شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار فضاهای زیستی کمتر از ۲۰ مترمربع گزینش شده‌اند.

مواد و روش‌ها

برای محاسبه شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار برای استان‌های کشور در سال ۱۳۸۲، متغیرهای کمی و کیفی زیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند: متوسط خانوار در واحد مسکونی، فضاهای زیستی کمتر از ۲۰ مترمربع، متوسط اتاق در واحد مسکونی، درصد واحدهای مسکونی نوساز، سطح زیر بنای واحدهای مسکونی، میزان دسترسی به آب لوله کشی، درصد استفاده خانوارها از برق، درصد استفاده خانوارها از تلفن، درصد استفاده خانوارها از گاز، درصد استفاده خانوارها از آشپزخانه در واحدهای مسکونی، درصد استفاده از حمام در واحدهای مسکونی و درصد واحدهای مسکونی ملکی. در ابتدا برای اینکه نمرات هر متغیر یکسان شود، آن‌ها را استاندارد نموده و بعد از استاندارد نمودن، بعضی از نمرات منفی می‌شوند و برای رفع علامت منفی آن‌ها را با کمترین مقدار هر متغیر جمع نموده و بعد اعداد به دست آمده در هر متغیر را در ماتریس بارهای عاملی متناظر (روش تحلیل عاملی^۶) آن متغیر ضرب نموده تا نمره شاخص درجه رفاه سکونتی خانوارها به دست آید. البته چون جهت این نمره متغیر یکسو نبوده به همین خاطر قبل از مرحله آخر آنها را با دستور^۷ Recode یک جهت

6- Factor Analyzes

7- Automatic Recode

نموده‌ایم. جهت تعیین درجه رفاه با توجه به نمرات به دست آمده مراحل زیر انجام شده است: ابتدا دامنه تغییرات را محاسبه کرده دوم دامنه تغییرات را در عدد ۳ تقسیم نموده تا فاصله طبقاتی را به دست آوریم. در مرحله سوم کمترین نمره شاخص را با فاصله طبقاتی جمع کرده تا اولین سطح درجه رفاه تعیین شود و این کار را تا آخرین سطح رفاه تکرار می‌کنیم و با توجه به نمراتی که برای هراستان به دست آمد، در سطوح سه‌گانه رفاه سکونتی خانوارها قرار داده‌ایم. آزمون KMO حاصله برابر با ۰/۵۰ است (طبق جدول شماره ۳) که بیانگر این است که داده‌های انتخاب شده برای تحلیل عاملی در سطح خوبی جهت این تحلیل می‌باشند (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ که مناسب بودن داده‌ها را جهت تحلیل عاملی اثبات می‌کند)؛ بنابراین مطابق با نمرات به دست آمده (طبق جدول شماره ۴ و ۵) استان‌های کشور به صورت زیر رتبه بندی می‌شوند که گروه اول بهترین وضعیت و گروه سوم نیز بدترین وضعیت را داراست:

جدول شماره ۳: نتایج آزمون KMO برای دوازده متغیر انتخاب شده برای محاسبه شاخص درجه رفاه

سکونتی در سال ۱۳۸۲

سال- آماره‌ها	۱۳۸۲
KMO	۰/۵۰۷
B T	۱۴۰/۳۰۰
DF	۲۸
SIG	۰/۰۰۰

جدول شماره ۴: رتبه بندی استان‌های کشور از نظر درجه رفاه سکونتی خانوارها در سال ۱۳۸۲.

مناطق روستایی استان‌ها	گروه
آذربایجان غربی - اصفهان - ایلام - بوشهر - تهران - چهارمحال و بختیاری - خوزستان - سمنان - گلستان - گیلان - مازندران - مرکزی - همدان - قم	گروه اول
آذربایجان شرقی - اردبیل - خراسان - فارس - لرستان - کردستان - کهگیلویه و بویراحمد - یزد - هرمزگان - قزوین	گروه دوم
زنجان - سیستان و بلوچستان - کرمان - کرمانشاه	گروه سوم

برای اینکه بدانیم آیا بین این سه گروه تفاوت معناداری وجود دارد از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده و آزمون F در جدول تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد (F محاسبه شده برابر با $78/23$ و سطح معناداری آن نیز برابر با $0/000$ می‌باشد). با توجه به معنی دار بودن F بین میانگین گروه‌ها تفاوت وجود دارد، اما آزمون F مشخص نمی‌کند که بین کدام گروه‌ها این تفاوت معنی دار و در بین کدام گروه‌ها تفاوت غیر معنی دار است. برای دریافتن این نکته از آزمون L.S.D (کوچک‌ترین تفاوت معنی دار بودن)^۸ استفاده می‌شود. با انجام آزمون^۹ L.S.D مشخص شد که بین هر یک از گروه‌ها با همه گروه‌های دیگر ارتباط معنی داری وجود دارد و این نشان می‌دهد اختلاف در بین گروه‌ها تصادفی نبوده است و به عبارت دیگر طبقه‌بندی مزبور طبقه‌بندی تصادفی نیست.

جدول شماره ۵: نمرات شاخص درجه رفاه سکونتی خانوار در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۲

مناطق روستایی استان‌ها	نمره شاخص درجه رفاه سکونتی خانوارها
تهران	۱۵/۹۳
یزد	۱۱/۸۱
سمنان	۱۷/۴۶
اصفهان	۱۷/۸۶
قم	۱۷/۳۱
مرکزی	۱۷/۵۴
فارس	۱۲/۳۱
خراسان	۸/۶۹
بوشهر	۱۴/۳۴
کرمان	۵/۹۲
مازندران	۱۹/۲۷

۸- دو آزمون دیگر هم یعنی آزمون Scheffe و آزمون Duncan: مانند آزمون L.S.D عمل می‌کنند. آزمون Scheffe سخت‌گیرتر است. (سطح اعتماد ۹۵ درصد) نتایج این دو آزمون هم نشان می‌دهد که بین گروه‌ها اختلاف معناداری وجود دارد.

۱۵/۱۲	همدان
۱۸/۰۸	چهارمحال و بختیاری
۱۳/۱۰	آذربایجان شرقی
۱۹/۰۷	ایلام
۱۴/۹۱	خوزستان
۷/۵۷	زنجان
۷/۱۹	کرمانشاه
۱۱/۹۸	کردستان
۱۴/۸۲	گیلان
۱۰/۰۳	لرستان
۱۵/۷۱	آذربایجان غربی
۹/۰۹	هرمزگان
۱۰/۱۴	اردبیل
۱۱/۵۹	کهگیلویه و بویراحمد
۲/۴۶	سیستان و بلوچستان

بحث و نتیجه گیری

جهت طبقه بندی و رتبه بندی نمودن استان‌های کشور از نظر درجه رفاه سکونتی خانوارها که مهم‌ترین هدف در تحقیق حاضر می‌باشد، از تحلیل عاملی و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است، بدین صورت که در ابتدا با توجه به شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سال ۱۳۸۲ نمره شاخص درجه رفاه سکونتی خانوارها به دست آمد و سپس استان‌ها را در ۳ گروه طبقه بندی نمودیم. در سال ۱۳۸۲ استان‌های مازندران، ایلام، چهارمحال و بختیاری و اصفهان دارای بهترین وضعیت از نظر درجه رفاه سکونتی خانوارها بودند و استان‌های سیستان و بلوچستان، زنجان، کرمان و کرمانشاه در بدترین وضع از نظر رفاه سکونتی قرار داشته‌اند. می‌توان از عوامل زیر در تأثیرگذاری بر روی وضعیت نامساعد رفاه سکونتی استان‌های ذکر شده نام برده شود:

افزایش نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی این استان‌ها، ضعف مدیریتی موجود در داخل این استان‌ها، فقدان انگیزه در ساکنان مناطق روستایی این استان‌ها در افزایش رفاه اجتماعی به طور عام و رفاه سکونتی به طور خاص و اینکه طی سال‌های گذشته در این استان‌ها افزایش درآمد خانوارهای روستایی با افزایش قیمت‌ها، بویژه قیمت زمین و مسکن متناسب نبوده و به همین جهت فاصله‌ی بین توان خانوار و قیمت مسکن روبه افزایش نهاده است. به علاوه اینکه در این استان‌ها توجه به روستاها از نظر گروه بندی صورت گرفته بر اساس طبقه بندی عملکردی فضایی هیچ اقدامی صورت نگرفته است. البته باید به دلایل بالا این را اضافه نمود که در مناطق روستایی استان‌های گروه اول، فرزندان نسبت به والدین دو گروه اجتماعی متفاوت با کارکردهای متفاوت را تشکیل می‌دهند که به زودی خود نیز درون خویش شاهد تفکیک‌های اجتماعی دیگری هستند. از یک سو درون گروه فرزندان (تفکیک جنسی و سنی) و از سوی دیگر در گروه والدین (تفکیک جنسی و کارکردی). تبلور این جدایی در مسکن به صورت نیاز به فضاهای مجزا نمودار می‌گردد که هر یک از افراد خانواده بنا بر موقعیت و نقش اجتماعی خود و برای انجام وظایف خاص آن نقش، خواستار چنان فضایی است. نتیجه پایانی آنست که یک فضا با تراکم بالا و کارکردهای چندگانه (یک مسکن) به چندین فضا با کارکردهای تفکیک شده (چندین مسکن) تقسیم می‌گردد. ولی این در نقاط روستایی استان‌های گروه سوم هنوز عمومیت نیافته است. رفتارهای سنتی و منطبق بر شرایط حاکم بر روستاها، نوعی مسکن یک طبقه با اتاق‌های زیاد را در روستاها ایجاد کرده است که هر فضا متناسب با کارکردها و وظایف خانوار کارکرد خود را خواهد داشت. در نقاط روستایی این دسته از استان‌ها، در برخی از مساکن، یک خانوار نسبتاً گسترده که بعضاً شامل سه نسل می‌گردید، ساکن می‌باشند. در این نوع مساکن، توالی و آشپزخانه و... به طور مشاعی می‌باشد. فرزندان پسر خانواده تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده و ازدواج نمی‌کردند، مسکن جداگانه‌ای نخواهند داشت. البته باید به این نکته اساسی اشاره نمود که شرایط طبیعی و اقلیمی روستاهای هر استان نقش مهمی در ساخت و ساز مسکن بر عهده دارند که خود می‌تواند از عوامل غیر قابل کنترل کاهش یا افزایش رفاه سکونتی باشد.

منابع

۱. آراسته خو، محمد (۱۳۸۱) «تأمین و رفاه اجتماعی»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. اطهری، کمال (۱۳۸۴) «فقر مسکن در ایران فقر سیاست اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۴۵-۲۶.
۳. بهزاد نسب، جانعلی (۱۳۷۳) «مسکن روستایی در ایران»، مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۴. بی نام (۱۳۷۲) «بخش مسکن»، کمیته برنامه‌ریزی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، صفحات ۱ الی ۱۵.
۵. پیران، پرویز (۱۳۶۷) «آلونک نشینی در تهران- جمع‌بندی نهایی پژوهش»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳.
۶. حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) «جمعیت و مسکن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۷. خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۵) «کاربرد شاخص‌های اجتماعی در توسعه مسکن»، ماهنامه مسکن و انقلاب، شماره ۶۹ و ۷۰، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۸. رضی زاده، عباس (۱۳۷۴) «شناخت متقاضیان مسکن و نقش معماران در حل بحران مسکن»، مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۹. رفیعی، مینو و علی چگنی (۱۳۷۴) «شاخص‌های بین‌المللی مسکن»، بولتن اقتصاد مسکن سازمان ملی زمین و مسکن، شماره ۱۶.
۱۰. رفیعی، مینو، (۱۳۷۸) «ضرورت نگرش منطقه‌ای در برنامه سوم مسکن»، بولتن اقتصاد مسکن سازمان ملی زمین و مسکن، شماره ۲۷.
۱۱. ریاضی، ابوالحسن (۱۳۸۱) «نقش دولت در برنامه ریزی مسکن»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵.

۱۲. زنجانی، حبیب الله و احمد کتابی (۱۳۷۷) «اطلس مسکن ایران ۱۳۷۵»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱) «جمعیت و مسکن»، مجموعه مقالات جمعیت و توسعه، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۴. ستارزاده، داوود (۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران ۱۳۸۵» فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸، تهران، سازمان ثبت و احوال کشور.
۱۵. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۴) «تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران» فصلنامه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دانشکده هنر، شماره ۲۳، صص ۳۴-۲۵.
۱۶. غازی، ایران (۱۳۷۴) «بحثی پیرامون مدل اجاره بها و ویژگی سنجی در برنامه ریزی تأمین مسکن»، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران ۱۴ الی ۱۶ اردیبهشت، دانشگاه تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۷. فرهنگی منش، ساسان (۱۳۷۴) «پیش بینی وضع مسکن در نقاط شهری استان گیلان»، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران ۱۴ الی ۱۶ اردیبهشت، دانشگاه تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۸. محمدی، فروزان (۱۳۷۹) «بررسی جمعیت شناختی مسکن در استان‌های اصفهان و ایلام طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
۱۹. مخبر، عباس (۱۳۶۳) «ابعاد اجتماعی مسکن، هدف‌ها، معیارها، شاخص‌های اجتماعی و مشارکت مردمی»، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
۲۰. وارثی، حمیدرضا (۱۳۷۳) «بررسی وضعیت مسکن اصفهان»، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران ۱۴ الی ۱۶ اردیبهشت، دانشگاه تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

21. Park, H. Y, (2006) "Housing Welfare indicators for the quality of Life in Korea", *Housing Studies Review*, 14 (1): 5- 26.
22. Priemus, H. and F. Die Leman, (2002), "Social Housing Policy in the European Union: Past, Present, and Perspectives", *Urban Studies*, 39 (2): 191- 200.
23. Turner, A and C. M. E. Whitehead, (2002) "Reducing Housing Subsidy: Swedish Housing Policy in an International Context" *Housing Studies*, 39 (2): 201- 217.